

تحلیلی بر سرزندگی شهری در فضاهای عمومی (مطالعه مودی: مناطق چهارگانه شهر یاسوج)

عبداللهی، زهرا (کارشناسی ارشد شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران)

صالح پور سروک، زرییر (استادیار، گروه معماری و عمران، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد واحد یاسوج، یاسوج، ایران)

حبیبی، فاطمه (کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، گروه جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

ایران)

حسینی، علی (دانشیار، گروه جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

صابری، علی (دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، گروه جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

ایران)

چکیده

سرزندگی شهری، عنصری حیاتی در کیفیت زندگی شهروندان و پویایی فضاهای شهری در ساعات مختلف شبانه‌روز است. با توجه به این نکته، هدف پژوهش حاضر بررسی وضعیت سرزندگی شهری و مؤلفه‌های آن در مناطق چهارگانه شهر یاسوج است. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و شیوه گردآوری داده‌ها نیز پرسش‌نامه‌محور است. داده‌ها از طریق مطالعات اسنادی و پیمایش میدانی (شامل ۳۸۴ پرسش‌نامه که بر اساس ۶ مؤلفه اصلی سرزندگی شهری طراحی شده) گردآوری و با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شد. نتایج پژوهش نشان داد تفاوت معناداری در میزان سرزندگی بین مناطق چهارگانه شهر یاسوج وجود دارد. این تفاوت نه تنها در مجموع مؤلفه‌های سرزندگی، بلکه در هر یک از ابعاد آن نیز مشهود است. این تفاوت‌ها از ساختار کالبدی شهر و تمرکز خدمات در منطقه مرکزی نشأت می‌گیرد و از منظر اجتماعی نیز با توزیع نابرابر جمعیت، تنوع عملکردی و فرصت‌های مشارکت شهری تقویت می‌شود. به‌طوری‌که منطقه ۲ شهر یاسوج به دلیل برخورداری از مزایای مکانی و کارکردی، دارای بیش‌ترین میزان سرزندگی است. این منطقه با ویژگی‌هایی چون تنوع کاربری‌ها، مراکز خدماتی و تفریحی متمرکز، و دسترسی‌های مطلوب، بستری غنی برای تعاملات اجتماعی و حضور پرشور شهروندان فراهم آورده است. در مقابل، مناطق پیرامونی، به‌ویژه منطقه ۴، با چالش‌های اساسی در زمینه سرزندگی مواجه هستند. این وضعیت ناشی از عواملی چون کمبود امکانات، ضعف زیرساخت‌ها و طراحی فضاهای عمومی، و عدم تنوع کافی در کاربری‌های شهری است که منجر به کاهش پویایی و حضور شهروندان در این مناطق شده است. به‌طور کلی، یافته‌های این پژوهش بر ضرورت بازنگری در سیاست‌های فضایی و توزیع متوازن منابع در برنامه‌های آینده شهر یاسوج تأکید دارد تا بتوان کیفیت سرزندگی را در همه مناطق شهر به سطح مطلوبی رساند.

واژگان کلیدی: سرزندگی شهری، تنوع عملکردی، فضاهای عمومی، مناطق شهری، مناطق چهارگانه یاسوج.

An analysis of urban vitality in public spaces (case study: the four regions of Yasouj city)

Urban vitality is a crucial element in the quality of life of citizens and the dynamism of urban spaces throughout different times of day and night. In this context, the present study aims to assess and compare the state of urban vitality across the four districts of Yasuj City based on specific examined components. This research is applied in nature and relies on a questionnaire-based method, evaluating urban vitality. Data were collected through documentary studies and a field survey, which included 384 questionnaires designed based on six main components of urban vitality. The data were then analyzed using SPSS and PLS software. The findings reveal significant differences in the level of urban vitality among these districts. These differences are evident not only in the overall vitality index but also across each of its dimensions. They primarily stem from the city's physical structure and the concentration of services in the central district, and are further reinforced by unequal population distribution, functional diversity, and varying levels of opportunities for civic participation. District 2 demonstrates the highest vitality due to its spatial and functional advantages, including diverse land uses, concentrated service and recreational centers, and favorable accessibility- factors that foster vibrant social interaction and active citizen presence. In contrast, peripheral areas, especially District 4, face major challenges regarding vitality, largely due to a lack of amenities, weak infrastructure, poorly designed public spaces, and insufficient land use diversity. Overall, the study highlights the need to reconsider spatial policies and ensure a balanced distribution of resources in future urban planning efforts in Yasuj, to enhance the level of vitality across all districts of the city.

Urban vitality, Functional diversity, public spaces, urban regions, four regions of Yasouj.

۱. مقدمه

مناطق شهری بیش از نیمی از جمعیت جهان را در خود جای داده‌اند و تراکم جمعیت بالاتر و فضاهای زندگی محدود آن‌ها فضای کم‌تری را برای فعالیت‌های تفریحی عمومی باقی گذاشته است (موشکانی و یک^۱، ۲۰۲۱). بنابراین نیاز به فضاهای عمومی که شهروندان را به استفاده از این فضاها و به دنبال آن پویایی اجتماعی و همه شمولی آن تشویق کند، به‌عنوان یک نیاز حیاتی شهرهای امروز مورد توجه است. اپلیارد^۲ معتقد است فضاهای عمومی و خیابان‌های شهری باید شامل فضاهایی باشد که مردم امکان نشستن در آن را داشته باشند و به گفت‌وگو، بازی و تعاملات اجتماعی بپردازند (مولوی و همکاران، ۱۴۰۰ ص. ۸۸۲). چنین فضاهایی نیازمند امکانات گوناگون متناسب با نیازهای متنوع شهروندان و با توجه به شرایط زمانی و مکانی استفاده کنندگان هستند. امروزه یکی از مفاهیم مهم برای بررسی میزان برخورداری فضاهای عمومی از عملکردهای مطلوب مورد اشاره، شناسایی میزان سرزندگی آن‌ها است. سرزندگی یکی از کیفیت‌های مهم فضاهای شهری است و به‌عنوان یک ادراک مثبت، به‌وسیله مردمی که در یک فضا زندگی می‌کنند، شکل می‌گیرد (سپه^۳ و همکاران، ۲۰۱۷): سرزندگی به معنای حضور و فعالیت فرد در مکان است

1. Mushkani & One

2. Appleyard

3. Sepe

(محمدی ده چشمه، ۱۳۹۸، ص. ۲۰). طبیعتاً هرچقدر بیش‌تر افراد در فضا حضور داشته باشند و فعالیت کنند، شهر پویاتر و سرزنده‌تر خواهد شد (حسینی و صابری، ۱۴۰۲، ص. ۱۷۶). این مفهوم از نظر اجتماعی توسط اجتماع انسان‌ها ایجاد می‌شود و عمدتاً به ویژگی‌های مورفولوژیک یک شهر بستگی دارد (شیبا^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). به‌صورت کلی، سرزندگی شهری استفاده از قابلیت مکان برای تامین تنوعی از فضاها و فعالیت‌ها در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با هدف تنوع تعاملات اجتماعی به گونه‌ای است که امنیت، برابری و آسایش و آرامش را برای همه فراهم سازد؛ این اتفاق در نتیجه جذابیت فضاها و رضایت شهروندان حاصل می‌شود که در نهایت منجر به ایجاد فضایی زیست‌پذیر می‌شود (شاهرخی‌فر و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۸۲). سرزندگی شهری برای یک محیط شهری سالم ضروری است و ایمنی را تنها می‌توان از طریق خیابان‌های شهری پر جنب‌وجوش تضمین کرد (پاکوز و ایشیک^۲، ۲۰۲۲). برای آن‌که یک شهر سرزنده باشد نیاز به عوامل مختلفی است؛ لنینچ برای تعریف شهر خوب به پنج معیار سرزندگی، حس، تناسب، دسترسی و کنترل و دو فرامعیار برای اندازه‌گیری آن‌ها یعنی کارایی و عدالت اشاره می‌کند (پاکوز و ایشیک، ۲۰۲۲). همچنین جیکوبز^۳ (۱۳۹۸)، چهار عامل نیاز به کاربری‌های ترکیبی اولیه، نیاز به بلوک‌های کوچک، نیاز به ساختمان‌های قدیمی و نیاز به تمرکز را به‌عنوان مولد سرزندگی توصیف کرده است.

سرزندگی مفهومی مشتمل بر کیفیت‌های متعدد و متنوع همچون عدالت، برابری و غیره است. مطلوبیت، نشاط و زیست‌پذیری عناصر اساسی در تعریف این مفهوم هستند که با شاخص‌های مختلفی از فضای شهری عمومی مرتبط هستند و شامل هر دو جنبه فیزیکی و اجتماعی فضا می‌شوند (مولوی و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۸۸۶). سرزندگی نشان دهنده شهرسازی خوب است، زیرا محیط‌های حیاتی هر آنچه را که شهروندان نیاز دارند، نه تنها برای عبور از فضاها و عمومی، بلکه برای ماندن و استفاده از آن‌ها ارائه می‌کنند (گومز-وارو^۴ و همکاران، ۲۰۲۲). بنابراین شهرها زمانی می‌توانند موفق تلقی شوند که بتوانند میزبان فعالیت‌های خیابانی پر جنب‌وجوش باشند. به‌طوری که افراد با ویژگی‌های متفاوت در فضای عمومی، در زمان‌های مختلف و برای اهداف گوناگون گرد هم بیایند (گومز-وارو و همکاران، ۲۰۲۲). شهر سرزنده گزینه‌های قابل مشاهده و قابل دسترسی را ارائه می‌دهد (یه^۵ و همکاران، ۲۰۱۸). امکان تماس‌های اجتماعی در یک شهر سرزنده و پر جنب‌وجوش زیاد است، بنابراین مکان‌های متعددی برای معاشرت افراد فراهم می‌کند (موراتیدیس و پورتیگا^۶، ۲۰۲۰). در این‌راستا، سرزندگی شهری در تعامل با شهر و فضاها و شهری است و عمدتاً به تعامل بین فعالیت‌های انسانی و فضاها و محله‌ها و خیابان‌ها اشاره دارد (لندری^۷، ۲۰۰۰). در یک تعریف جامع سرزندگی شهری به ظرفیت یک مکان برای جذب افراد برای انواع مختلف فعالیت‌ها اشاره دارد و

4. Xia

5. Paköz & Işık

6. Jacobs

1. Gómez-Varo

2. Ye

3. Moratidis & Portinga

4. Landry

جنبه‌های مختلف زندگی شهری مانند نشاط اقتصادی، تعامل اجتماعی، غنای فرهنگی و قابلیت زندگی فیزیکی را در بر می‌گیرد (چن^۱ و همکاران، ۲۰۲۳).

مفهوم سرزندگی به‌خصوص در محیط‌های شهری سیر نظریه‌ای طولانی دارد و در بین مکاتب گوناگون دارای اهمیت و توجه است. می‌توان گفت یکی از دلایل پرداختن به سرزندگی به‌عنوان مقوله‌ای مستقل، تبعات ناشی از مدرنیسم و درک فضای آشفته و کسل‌کننده شهرها بوده است. آن‌گونه که چپ من^۲ (۲۰۰۹) سرزندگی مراکز شهری را منوط به پاسخ به تمایلات و فشارها در خصوص کاهش شهرنشینی، تحرک، تغییر اجتماعی و فراغت و گردشگری می‌داند. به‌صورت کلی، سرزندگی شهری برآمده از پست‌مدرنیسم و دیدگاه خاص این رویکرد به شهر است. و پیاده‌سازی مفاهیم آن در کشورهایی که هنوز درگیر مدرنیسم هستند، با چالش‌های فلسفی و بنیادین همراه است چراکه پیش‌زمینه‌های ساختاری این‌گونه مفاهیم در چنین جوامعی وجود نداشته و دستیابی به چنین مفاهیمی دور از انتظار است (حسینی و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۳۶). این مفهوم در نظریه‌های جدید شهری نیز جایگاه ویژه‌ای دارد؛ به‌طور نمونه، نظریه شهرسازی جدید و رشد هوشمند، که به دهه ۱۹۹۰ برمی‌گردد، عقیده دارد مکان‌هایی که سطح سرزندگی بالایی دارند، اغلب از طریق نمایشگاه تعاملات اجتماعی، فعالیت‌های عمومی و حس مکان، کیفیت زندگی مضاعفی را تجسم می‌کنند، که همگی به نوبه خود نقش مهمی در بازسازی ویژگی‌های مهم یک مکان دارند (لی^۳ و همکاران، ۲۰۲۲).

هدف پژوهش حاضر بررسی وضعیت سرزندگی شهری و مولفه‌های مورد مطالعه آن در مناطق چهارگانه شهر یاسوج و همچنین مقایسه و اولویت‌بندی این مولفه‌ها در مناطق مذکور است. شهر یاسوج یکی از شهرهای نوپای کشور است که نزدیک به ۵ دهه از عمر سیاسی و اداری آن می‌گذرد (حسینی‌خواه و زنگی‌آبادی، ۱۳۹۶، ص. ۱۴۵). بعد از گذشت این مدت، این شهر تحت تاثیر رخنه قدرت طوایف در بدنه مدیریتی شهر و سیاست‌های قومی، دچار نابرابری فضایی و اجتماعی در سطح کلان شهری و همچنین بین مناطق و محله‌های شهری شده است (پوراحمد و همکاران، ۱۴۰۲، ص. ۱۷). این موضوع در کنار ضعف آگاهی و تخصص در بدنه مدیریتی شهر (رخش‌ماه و همکاران، ۱۴۰۳: سیادت حسن نوران و همکاران، ۱۴۰۴) بر سیما و منظر شهر، وضعیت دسترسی، رضایتمندی از فضاهای شهری (کوزه‌گر و همکاران، ۱۴۰۲)، میزان اشتیاق شهروندان به استفاده از فضاهای شهری، رونق تعاملات اجتماعی در این فضاها (رخشانی‌نسب و همکاران، ۱۴۰۱) و به‌صورت کلی، سرزندگی شهری در این شهر و فضاهای عمومی آن تاثیر گذاشته است. توجه به این مسائل و نبود برنامه‌ریزی برای حل آن‌ها نتیجه‌ای جز زشتی منظر شهر، نارضایتی شهروندان و تفاوت‌های منطقه‌ای در بر نداشته است. ضعف در هرکدام از موضوعات اشاره شده باعث فاصله گرفتن شهر و مناطق آن از سرزندگی شهری می‌شود. براین اساس با توجه به نقش سرزندگی فضاهای شهری در کالبد و سیمای شهر و بهبود و رونق ارتباطات در فضاهای عمومی و همه‌شمولی این فضاها و کاهش ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی، در پژوهش حاضر به این موضوع از دیدگاه شهروندان مناطق مورد مطالعه پرداخته خواهد شد.

5. Chen

6. Chapman

7. Li

سرزندگی شهری یکی از موضوعاتی است در دهه‌های اخیر بسیار مورد توجه بوده است و پژوهشگران زیادی به آن پرداخته‌اند: یو^۱ و همکاران (۲۰۲۱) در مقاله‌ای به بررسی مقایسه‌ای سرزندگی شهری در دو شهر هوشی می و شانگهای پرداختند. با توجه به نتایج، هر دو شهر یک شیب رو به کاهش سرزندگی شهری را از هسته‌های شهری به حومه‌ها نشان می‌دهند. شن^۲ و همکاران (۲۰۲۲) در مقاله‌ای اثرات سرزندگی و تراکم شهری بر نوآوری را با استفاده از مجموعه داده‌های پانل برای ۹ شهر در منطقه خلیج بزرگ، که یکی از برجسته‌ترین مناطق ابرشهری در چین است، بررسی کردند. نتایج این مطالعه نشان داد سرزندگی شهری به‌طور مثبت با نوآوری فزاینده و رادیکال مرتبط است. وو^۳ و همکاران (۲۰۲۳) در مقاله‌ای به بررسی ارتباط بین ادراک انسان از منطقه و سرزندگی شهری در شنژن با استفاده از تصاویر نمای خیابان پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد تفاوت در سرزندگی شهری جلوه‌ای از تخصیص نامتوازن عملکرد شهری، دسترسی، فرم ساختمان و ادراکات انسانی است. شن و همکاران (۲۰۲۳) در مقاله‌ای به بررسی الگوهای فضایی و زمانی سرزندگی شهری در چنگدو، چین، در روزهای هفته و آخر هفته پرداختند. نتایج نشان داد سرزندگی شهری در طول روز در روزهای هفته و آخر هفته به‌طور قابل توجهی متفاوت است و با افزایش فاصله تا مرکز شهر به طور مداوم کاهش می‌یابد. سرور و اصغری (۱۴۰۰) در پژوهشی به تحلیل فضاهای عمومی از منظر سرزندگی در پارک ساحلی آتای میان‌دوآب پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد شاخص‌های سرزندگی در این پارک از مطلوبیت نسبی برخوردارند. حیدری و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای به سطح‌بندی مناطق مختلف شهر کرج با توجه به شاخص‌های سرزندگی شهری پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد منطقه ۷ از بهترین شرایط در بین مناطق شهری کرج برخوردار است. همچنین با توجه به نتایج شاخص‌های ذهنی، محله‌های ۱۰ و ۵ به ترتیب از مناطق ۷ و ۹ در سطح برخوردار سرزندگی شهری قرار دارند.

با وجود اهمیت پژوهش‌های بررسی شده و نگاه سازنده آن‌ها به مبحث سرزندگی در فضاهای عمومی، پژوهش حاضر دارای تفاوت‌هایی در راستای موضوع پژوهش است که بر اهمیت آن افزوده است. به‌طوری‌که بررسی پیشینه مطالعاتی نشان می‌دهد برخلاف بیش‌تر پژوهش‌های بین‌المللی و داخلی که به شهرهای بزرگ و چندمرکزی پرداخته و به سرزندگی در شهرهای میانی با ساختار اجتماعی-اقتصادی و کالبدی متفاوت کم‌تر توجه شده، پژوهش حاضر در بستر یک شهر میانی و قومی انجام پذیرفته است. این انتخاب، امکان واکاوی سرزندگی در شهرهایی با ساختار تک هسته‌ای، بافت اجتماعی-فرهنگی خاص و الگوهای متفاوت مدیریت شهری را فراهم آورده است. موضوعی که تاکنون کم‌تر به آن پرداخته شده است. همچنین چارچوب مفهومی و شاخص‌های مورد استفاده در بسیاری از مطالعات پیشین، عمدتاً تکراری بوده و جامعیت لازم برای تحلیل پیچیدگی‌های خاص یک شهر میانی را ندارد. در حالی‌که پژوهش حاضر با استفاده از مجموعه‌ای از متغیرهای کم‌تر استفاده شده و با نگاهی تلفیقی سه سطح کالبدی، اجتماعی-فرهنگی و مدیریتی را در قالب مناطق چهارگانه شهر یاسوج در تحلیل مورد توجه قرار داده که باعث سنجش دقیق‌تر و عمیق‌تر سرزندگی و

4. Yue

1. Chen

2. Wu

ارائه تصویری واقع‌گرایانه از تمایزات فضایی در بین این مناطق شده است. این رویکرد امکان شناسایی شکاف‌ها و نابرابری‌های فضایی درون شهر را فراهم کرده و درک عمیق‌تری از تمرکز امکانات و تفاوت‌های سرزمینی در سرزندگی و تصویر جامع‌تر از علل و پیامدهای تفاوت سرزندگی و تحلیل چرایی این تفاوت‌ها ارائه می‌دهد.

۲. روش‌شناسی

۱.۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از لحاظ روش، نیز توصیفی-تحلیلی است و با هدف بررسی سرزندگی و وضعیت هرکدام از مولفه‌های آن در مناطق چهارگانه شهر یاسوج و مقایسه آن‌ها است. ماهیت داده‌های پژوهش کمی است. در این پژوهش جمع‌آوری اطلاعات بخش اسنادی با استفاده از کتاب‌ها، مقاله‌ها و سایر اسناد مرتبط و اطلاعات میدانی نیز از طریق پرسش‌نامه محقق ساخته جمع‌آوری شد. برای بررسی و اولویت‌بندی وضعیت سرزندگی و مولفه‌های آن در محدوده مورد مطالعه از ابزار پرسش‌نامه استفاده شد. پرسشنامه از ۶۲ گویه در ۶ مولفه تشکیل شده است (جدول ۲). جامعه آماری پژوهش ساکنان مناطق چهارگانه شهر یاسوج است که با توجه به آمار سال ۱۳۹۵ مرکز آمار به ترتیب ۲۷۷۷۶، ۲۳۹۶۲، ۲۶۶۹۳، و ۵۶۱۰۱ نفر جمعیت در این مناطق زندگی می‌کنند. با توجه به گستردگی جمعیت مذکور و براساس مدل کوکران ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب و پرسشنامه‌ها با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و به تفکیک جمعیت هر منطقه جمع‌آوری و سپس با توجه به نوع داده‌های پژوهش مورد تحلیل قرار گرفت. روایی پژوهش حاضر از طریق تکنیک روایی محتوایی و صوری به وسیله خبرگان و متخصصان مربوطه و پایایی آن نیز از طریق آزمون آلفای کرونباخ اندازه‌گیری شد که نتایج آن در جدول ۱ آمده و نشان دهنده پایایی بالای ابزار پژوهش و قابلیت اطمینان داخلی بالای سوال‌های پرسشنامه است. به‌منظور تحلیل داده‌های میدانی پژوهش نیز از نرم‌افزارهای SPSS و ARC GIS استفاده شد. بدین‌صورت که ابتدا برای ارزیابی وضعیت هر یک از مولفه‌های سرزندگی در هر منطقه به‌صورت مجزا و سنجش سطح رضایت نسبت به حد متوسط (عدد ۳) از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شد. سپس برای پاسخ به هدف اصلی پژوهش مبنی بر مقایسه وضعیت سرزندگی بین مناطق چهارگانه شهر یاسوج و بررسی معنادار بودن تفاوت میانگین‌ها، از تحلیل واریانس یک‌طرفه (آنوا) استفاده شد. در ادامه و پس از تایید همگنی واریانس‌ها (آزمون لوین) و اثبات وجود تفاوت میانگین‌ها در بین مناطق مورد مطالعه، برای تعیین اینکه تفاوت دقیقاً بین کدام مناطق و به چه صورت است و برای اولویت‌بندی و گروه‌بندی مناطق، از آزمون تعقیبی توکی استفاده شد. در نهایت نیز داده‌های خروجی رتبه‌بندی مناطق، برای بصری‌سازی و نمایش فضایی نابرابری‌ها، در محیط نرم‌افزار ARC GIS به نقشه تبدیل گردید.

جدول ۱. مقدار آلفای کرونباخ ابعاد و مولفه‌های پژوهش به تفکیک

بعد و مؤلفه	امنیت	آسایش و فراغت	اجتماع‌پذیری	تنوع و جذابیت	منظر شهری	دسترسی و فراگیری
آلفای کرونباخ	۰٫۸۲۷	۰٫۷۷۳	۰٫۷۵۹	۰٫۷۷۱	۰٫۷۹۱	۰٫۷۹۷

جدول ۲. مولفه‌ها و شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش

مولفه	گویه
ایمنی و امنیت	تنوع فعالیت‌ها، تنوع زمانی حضور ساکنان، امنیت معابر محل سکونت از عبور دوچرخه و موتور سیکلت، مزاحمت‌های خیابانی، روشنایی فضاهای عمومی هنگام شب، فضاهای بی دفاع، محیط امن، رفت و آمد مداوم در طول شبانه‌روز، نورپردازی و روشنایی فضاهای عمومی، احساس راحتی زنان
فراغت و آسایش (تفریح)	وضعیت موجود امکانات تفریحی در محل سکونت، دسترسی به مرکز شهر و امکانات خرید و بازی، برپایی مراسم‌ها و نمایشگاه‌ها، وجود پارک‌های محلی و منطقه‌ای، وجود مکان‌های استراحت، آسایش اجتماعی و روانی، وجود پاتوق‌ها و فضاهای محل تجمع مردم، کیفیت مناسب سنگ فرش، آبخوری‌ها، امکان پیاده روی راحت بدون مزاحمت اتومبیل‌ها.
حضورپذیری و تحرک	برقراری تعامل اجتماعی، نشاط اجتماعی، وجود مکان‌هایی برای گفتگو با دیگران، وجود پاتوق و مکان‌های ارتباطی، برپایی فعالیت‌هایی که جنبه اجتماع‌پذیری دارند، مکان‌های تجمع و رفع مطالبات، حضور در فعالیت‌های جمعی، تاثیر برگزاری مراسم‌ها و جشن و جشنواره‌ها بر افزایش تعاملات اجتماعی.
تنوع و جذابیت	نقش فضاهای موجود در بهبود سرزندگی، تنوع قومی و طایفه‌ای موجود، تفاوت قیمت مسکن، تفاوت قیمت مسکن بین نواحی مختلف شهر، ارزیابی طراحی مکان‌های فرهنگی و هنری و تاثیر آن بر جذابیت محل سکونت، حضور خانه‌های قدیمی و سنتی در محل سکونت، تنوع و انعطاف‌پذیری در کاربری‌ها و نوع فعالیت، اختلاط کاربری، تعداد زیاد مغازه‌های تجاری بر خیابان، وجود فعالیت‌های غیررسمی و دستفروش‌ها،
زیباشناختی و منظر شهری	وضعیت بهداشت و نظافت، نفوذپذیری و خوانایی کالبدی و بصری، جذابیت و تنوع کالبدی و بصری، چیدمان فضا، جانمایی و تعداد مناسب عناصر مبلمان، کیفیت فیزیکی و کف‌سازی جهت پیاده‌روی، کیفیت مناسب سنگ‌فرش، زیبایی نمای ساختمان‌ها، وجود تنوع رنگ در فضاهای عمومی، آلودگی هوا، آلودگی صوتی، ارتباط فضایی مناسب در ساختار فضایی و کالبدی.
دسترسی پذیری و فراگیری	دسترسی به حمل و نقل عمومی، دسترسی به کالا و خدمات، راحتی در برقراری ارتباط با محل سکونت، وجود فروشگاه‌های زنجیره‌ای در نزدیک‌ترین مسافت، دسترسی به خدمات با توجه به تفاوت سنی، پارک و فضای سبز، زمین بازی کودکان، امکان استفاده از گزینه‌های مختلف حمل و نقل، امکان دسترسی پیاده به خیابان‌های منطقه، وجود مشاغل گوناگون و فعال در ساعات مختلف، وجود بازارهای سنی (بازار روز، هفتگی، دست‌فروشی، بازارچه)، رفت و آمد در ساعات مختلف شبانه روز، کاربری‌های محرک جذب جمعیت، تنوع سنی افراد استفاده‌کننده از فضا، حضور بالای زنان در خیابان، حضور بالای افراد با سنین مختلف در فضا.

(مأخذ: جعفری‌ها و همکاران، ۱۴۰۳؛ شاهرخی‌فر و همکاران، ۱۴۰۱؛ مولوی و همکاران، ۱۴۰۰؛ حسینی و صابری، ۱۴۰۲؛ فصیحی و همکاران، ۱۳۹۸؛ بیطرف و همکاران، ۱۴۰۰؛ هدایت‌نژاد کاشی و همکاران، ۱۳۹۸؛ حبیبیان و حاتمی‌نژاد، ۱۳۹۹؛ حسینی و همکاران، ۱۴۰۱؛ گروداچ، ۲۰۱۵؛ لندری، ۲۰۰۰؛ نوسال^۱، ۲۰۰۹؛ استیل و دلگادو، ۲۰۱۹؛ لی و هی، ۲۰۱۹)

۲.۲. معرفی منطقه مورد مطالعه

شهر یاسوج مرکز شهرستان بویراحمد است. براساس اسناد جمعیتی مرکز آمار ایران، جمعیت این شهر در سال ۱۳۹۵ بالغ بر ۱۳۴۵۳۲ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). این شهر از چهار منطقه شهری تشکیل شده است: منطقه ۱ شهر یاسوج مرز شرقی این شهر را ایجاد نموده است و شامل محله‌های محمودآباد، سالم‌آباد، راهنمایی، پشت ترمینال

و غیره است که براساس آمار سرشماری مرکز آمار، جمعیت آن در سال ۱۳۹۵، بالغ بر ۲۷۷۷۶ نفر بوده است. منطقه ۲ نیز حدود شمالی شهر را شامل می‌شود و شامل محله‌هایی همچون مصلی، بازار، ارم، شاهد و غیره می‌شود و جمعیت آن در سرشماری سال ۱۳۹۵، ۲۳۹۶۲ نفر بوده است. منطقه ۳ نیز حدود جنوبی شهر را شامل می‌شود. و شامل محدوده جاده ساحلی، گلستان و امامت است. منطقه ۴ نیز حدود غربی شهر را تشکیل داده و براساس آمار در سال ۱۳۹۵ حدود ۵۶۱۰۱ نفر در این محدوده ساکن بودند.



شکل ۱. موقعیت شهر یاسوج و مناطق چهارگانه

۳. یافته‌ها

۱.۳. یافته‌های توصیفی پژوهش

۱.۱.۳. ارزیابی مولفه‌های سرزندگی شهری در مناطق چهارگانه یاسوج

در ابتدا با توجه به هدف پژوهش، به بررسی وضعیت مؤلفه‌های سرزندگی شهری در مناطق چهارگانه شهر یاسوج پرداخته شد. برای این منظور، گویه‌های هر مؤلفه ادغام شده و نتایج کلی هر مؤلفه در مناطق مورد مطالعه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای در راستای بررسی وضعیت مؤلفه‌های سرزندگی شهری در منطقه یک نشان دهنده میانگین نزدیک به حد متوسط همه شاخص‌ها برای این منطقه است؛ به‌طوری که شاخص امنیت با میانگین ۳,۳۰ و تنوع و جذابیت با میانگین ۲,۷۳ بیش‌ترین و کم‌ترین میانگین را دارند. به‌صورت کلی، به جز شاخص امنیت میانگین سایر شاخص‌ها از میانگین حد استاندارد (عدد ۳) پایین‌تر بود. منفی بودن آماره تی نیز این موضوع را تایید می‌کند. نتایج کلی بررسی مولفه‌های سرزندگی در منطقه یک نشان دهنده وضعیت بینابینی این مولفه‌ها و رضایت نسبی ساکنان از آن‌ها است.

جدول ۳. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای مولفه‌های سرزندگی در منطقه ۱ شهر یاسوج

معیار	میانگین	انحراف معیار	آماره T	اختلاف میانگین	سطح معناداری
امنیت	۳,۳۰	۱,۳۹۳	۲,۰۴۲	۰,۳۰	۰,۰۴۴

۰,۰۷۰	-۰,۲۳	-۱,۸۳۱	۱,۲۰۹	۲,۷۶	فراغت و آسایش
۰,۱۴۰	-۰,۱۶	-۱,۴۹۰	۱,۲۷۳	۲,۸۰	اجتماع پذیری
۰,۰۱۲	-۰,۲۵	-۲,۵۸۰	۰,۹۸۰	۲,۷۳	تنوع و جذابیت
۰,۴۶۴	-۰,۰۷	-۰,۷۳۵	۱,۲۸۹	۲,۹۰	منظر شهری
۰,۳۴۵	-۰,۱۵	-۰,۹۵۰	۱,۴۴۲	۲,۸۵	دسترسی و فراگیری
		۲,۸۹			کل

نتایج بررسی مولفه‌های سرزندگی در منطقه ۲ نشان دهنده وضعیت مطلوب و نسبتاً مطلوب مولفه‌ها در این منطقه است. به گونه‌ای که با توجه به نتایج جدول ۴، به جز مولفه منظر شهری میانگین همه مولفه‌ها بالاتر از میانگین فرضی سطح متوسط است. با این حال، بیش‌ترین میزان رضایت به ترتیب مربوط به مولفه‌های تنوع و جذابیت و فراغت و آسایش با ارزش میانگین ۳,۲۶ و ۳,۱۴ و پایین‌ترین میزان رضایت نیز مربوط به مولفه منظر شهری با میانگین ۲,۸۴ است. همچنین بررسی کلی سرزندگی در این منطقه نشان می‌دهد ساکنان با میانگین ۳,۰۸ از وضعیت سرزندگی در منطقه خود رضایت نسبتاً قابل قبولی دارند.

جدول ۴. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای مولفه‌های سرزندگی در منطقه ۲ شهر یاسوج

معیار	میانگین	انحراف معیار	آماره T	اختلاف میانگین	سطح معناداری
امنیت	۳,۰۱	۱,۳۶۱	۰,۰۷۷	۰,۳۰	۰,۹۳۸
فراغت و آسایش	۳,۲۳	۱,۴۲۲	۱,۵۵۶	۰,۳۳	۰,۱۲۳
اجتماع‌پذیری	۳,۱۴	۱,۴۸۸	۰,۹۲۱	۰,۲۷	۰,۳۶۰
تنوع و جذابیت	۳,۲۶	۱,۴۳۶	۱,۷۶۱	۰,۳۱	۰,۰۸۲
منظر شهری	۲,۸۴	۱,۳۹۷	-۱,۰۵۶	-۰,۱۶	۰,۲۹۴
دسترسی و فراگیری	۳,۰۰	۱,۵۴۳	۰,۵۸۰	-۰,۳۰	۰,۵۳۳
کل			۳,۰۸		

بررسی مولفه‌های سرزندگی شهری در منطقه ۳ نشان می‌دهد، این مولفه‌ها از وضعیت مناسبی برخوردار نیستند و وضعیت موجود منطقه و اقدامات انجام گرفته نتوانسته است در سرزندگی این منطقه در مولفه‌های مورد بررسی تاثیر مثبت و رضایت‌بخشی ایجاد کند؛ به طوری که با توجه به نتایج این آزمون، میانگین آماری همه مولفه‌های مورد بررسی در منطقه مورد مطالعه پایین‌تر از حد مفروض است. با توجه به نتایج جدول ۵ مولفه منظر شهری با میانگین ۱,۸۷ و دسترسی و فراگیری نیز با ۲,۶۱ به ترتیب دارای کم‌ترین و بیش‌ترین میزان میانگین هستند که مقدار پایینی است. همچنین میانگین کلی سرزندگی در این منطقه با مقدار ۲,۲۴ بسیار پایین‌تر از حد متوسط بوده و نشان دهنده وضعیت نامناسب سرزندگی این منطقه است. گستردگی زمین‌های خالی و بدون استفاده، اشغال وسعت زیادی از فضا توسط

دانشگاه و مراکز مربوط به سپاه که باعث بدون استفاده ماندن بسیاری از فضا، تبدیل بخش‌های قابل توجهی از این منطقه به فضاهای دارای ساعات مشخص فعالیت، ایجاد فضاهای خالی و نقاط کور، وجود فضاهای زیاد اداری و دارای ساعات خاص فعالیت که فضای زیادی از این منطقه را اشغال کرده‌اند- از جمله اداره آموزش و پرورش استان، شورای شهر، دانشگاه فرهنگیان، چند بانک و موسسه و غیره- شده از عوامل اساسی است که نقش مهمی در ضعف سرزندگی این منطقه دارد.

جدول ۵. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای مولفه‌های سرزندگی در منطقه ۳ شهر یاسوج

معیار	میانگین	انحراف معیار	آماره T	اختلاف میانگین	سطح معناداری
امنیت	۲,۳۱	۰,۶۲۹	-۱۰,۳۷۹	-۰,۶۸	۰,۰۰۰
فراغت و آسایش	۲,۴۶	۱,۲۶۴	-۴,۰۰۰	-۰,۵۳	۰,۰۰۰
اجتماع‌پذیری	۲,۲۰	۱,۴۱۵	-۵,۳۶۱	-۰,۷۹	۰,۰۰۰
تنوع و جذابیت	۲,۰۳	۱,۲۴۰	-۷,۳۹۴	-۰,۹۶	۰,۰۰۰
منظر شهری	۱,۸۷	۱,۳۳۹	-۷,۹۴۹	-۱,۱۲	۰,۰۰۰
دسترسی و فراگیری	۲,۶۱	۱,۸۲۱	-۲,۰۲۵	-۰,۳۸	۰,۰۰۰
کل	۲,۲۴				

با توجه به نتایج جدول ۶ مولفه‌های سرزندگی در منطقه چهار از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند. به‌طوری که میانگین همه مولفه‌ها بسیار پایین‌تر از حد مفروض متوسط است. بررسی هرکدام از مولفه‌ها نشان می‌دهد مولفه منظر شهری و امنیت به ترتیب با میانگین ۲,۶۰ و ۱,۸۱ در بهترین و بدترین وضعیت بین مولفه‌های مورد بررسی قرار دارند. به‌صورت کلی، میانگین تفکیکی مولفه‌های بررسی شده از میانگین حد استاندارد (عدد ۳) پایین‌تر بود. مقدار منفی و بالای آماره تی برای همه مولفه‌ها نیز این موضوع را تایید می‌کند. نتایج کلی بررسی وضعیت سرزندگی در این منطقه نیز نشان دهنده وضعیت بحرانی و رضایت بسیار پایین ساکنان از وضعیت سرزندگی در این منطقه با مقدار میانگین ۲,۲۹ است.

جدول ۶. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای مولفه‌های سرزندگی در منطقه ۴ شهر یاسوج

معیار	میانگین	انحراف معیار	آماره T	اختلاف میانگین	سطح معناداری
امنیت	۱,۸۱	۰,۷۴۷	-۱۶,۹۱۶	-۱,۱۸	۰,۰۰۰
فراغت و آسایش	۲,۰۴	۰,۷۵۷	-۱۳,۴۸۳	-۰,۹۵	۰,۰۰۰
اجتماع‌پذیری	۲,۰۸	۱,۴۲۳	-۶,۸۴۰	-۰,۹۱	۰,۰۰۰
تنوع و جذابیت	۲,۵۴	۱,۴۸۲	۳,۲۸۶	-۰,۴۵	۰,۰۰۰
منظر شهری	۲,۶۰	۱,۵۴۳	-۲,۷۳۰	-۰,۳۹	۰,۰۰۰
دسترسی و فراگیری	۲,۲۷	۱,۵۹۲	-۴,۸۸۱	-۰,۷۲	۰,۰۰۰
کل	۲,۲۲				

یکی از مشکلات اساسی شهر یاسوج که در همه مناطق آن نیز قابل مشاهده و درک است، ضعف‌های موجود در بحث منظر شهری و زیبایی بصری است؛ مشکلات موجود در بدنه‌های اجرایی شهری، عدم توجه به نیازهای محیطی و کالبدی شهر، آگاهی ضعیف نسبت به طرح‌های گوناگون شهری، عدم مشارکت با ساکنان و استفاده از نظرات آن‌ها در رفع نیازهای شهری و رانت و زد و بندهای اقتصادی و مالی که تاثیر زیادی در مسيردهی به هزینه‌کرد در پروژه‌های شهری دارد، از موضوعات اساسی تاثیرگذار در وضعیت موجود شهر و منظر آن، خصوصا در چیدمان فضا، و ازدحام برخی کاربری‌ها و اشباع مناطق از این کاربری‌های خاص و در مقابل، نبود، فقدان یا کمبود برخی دیگر از کاربری‌های مورد نیاز به‌خاطر ضعف آگاهی‌های اقتصادی و محیطی و همچنین بی‌توجهی مسئولان مربوطه، کف‌سازی نامناسب و عمدتاً نبود کف‌سازی در بسیاری از پیاده‌روهای شهر و ضعف‌های بیشمار دیگر محیطی است که منظر شهر را در مناطق مورد مطالعه تحت شعاع قرار داده است. موضوعی که در کنار تاثیر سوء بر تنوع و جذابیت محیطی، تاثیر زیادی نیز بر وضعیت امنیت، آسایش و راحتی ساکنان در فضاهای عمومی، اشتیاق آن‌ها به استفاده از فضاهای عمومی و رونق تعاملات اجتماعی و همچنین ضعف دسترسی و فراگیری این فضاها داشته است.

۲,۳. یافته‌های استنباطی

با توجه به هدف اساسی پژوهش که مقایسه و اولویت‌بندی مناطق از نظر مولفه‌های مورد بررسی است، در ادامه برای بررسی تفاوت موجود در وضعیت مولفه‌های سرزندگی از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه (آنوا) استفاده شد. پیش شرط استفاده از این آزمون، همگنی واریانس گروه‌های پژوهش است؛ با توجه به نتایج آزمون لوین - مقدار این آزمون (۱۴,۲۱۹) در سطح پایین‌تر از ۰,۰۵ معنادار است - واریانس گروه‌ها همگن است. براساس یافته‌های جدول ۷ و نتایج معناداری، بین شاخص‌های سرزندگی در مناطق چهارگانه شهر یاسوج تفاوت آماری معناداری وجود دارد. این موضوع نشان می‌دهد میانگین‌های به دست آمده یکسان نیست و حداقل یکی از آن‌ها با بقیه متفاوت است. بنابراین بین مناطق چهارگانه شهر یاسوج در مولفه‌های بررسی شده تفاوت وجود دارد.

جدول ۷. نتایج تحلیل آنوا مقایسه مولفه‌های سرزندگی در بین مناطق چهارگانه

مولفه	شرح	مجموع جذرها	درجه آزادی	میانگین مجذورها	F	معناداری
امنیت	اختلاف بین گروه‌ها	۱۳۶,۳۱۳	۳	۴۵,۴۳۸	۳۹,۵۷۴	۰,۰۰۰
	اختلاف درون گروه‌ها	۴۳۶,۳۰۹	۳۸۰	۱,۱۴۸		
	کل	۵۷۲,۶۲۲	۳۸۳			

آسایش و فراغت	اختلاف بین گروه‌ها	۷۵,۴۲۹	۳	۲۵,۱۴۳	۱۸,۴۶۷	۰,۰۰۰
		اختلاف درون گروه‌ها	۵۱۷,۳۸۱	۳۸۰		
		کل	۵۹۲,۸۱۰	۳۸۳		
اجتماع‌پذیری	اختلاف بین گروه‌ها	۷۲,۶۴۰	۳	۲۴,۲۱۳	۱۲,۲۸۴	۰,۰۰۰
		اختلاف درون گروه‌ها	۷۴۹,۰۴۵	۳۸۰		
		کل	۸۲۱,۶۸۵	۳۸۳		
تنوع و جذابیت	اختلاف بین گروه‌ها	۷۰,۳۰۴	۳	۲۳,۴۳۵	۱۳,۶۰۹	۰,۰۰۰
		اختلاف درون گروه‌ها	۶۴۵,۳۸۱	۳۸۰		
		کل	۷۲۴,۶۸۵	۳۸۳		
منظر شهری	اختلاف بین گروه‌ها	۵۹,۸۰۸	۳	۱۹,۹۳۶	۱۰,۰۹۰	۰,۰۰۰
		اختلاف درون گروه‌ها	۷۵۰,۸۱۵	۳۸۰		
		کل	۸۱۰,۶۲۲	۳۸۳		
دسترسی و فراگیری	اختلاف بین گروه‌ها	۳۱,۲۲۹	۳	۱۰,۴۱۰	۴,۰۴۰	۰,۰۰۰
		اختلاف درون گروه‌ها	۹۷۹,۰۸۱	۳۸۰		
		کل	۱۰۱۰,۳۱۰	۳۸۳		

در ادامه با استفاده از آزمون توکی به اولویت‌بندی مناطق براساس تفاوت میانگین به دست آمده پرداخته شد؛ با توجه به نتایج جدول ۸ بین مناطق چهارگانه از نظر مولفه‌های امنیت تفاوت وجود دارد؛ به‌طوری که منطقه ۴ شرایط نامناسب و منطقه ۳ شرایط نسبتاً مناسبی در این مولفه دارند. در حالی که مناطق یک و دو شرایط مطلوبی دارند. به‌صورت کلی، منطقه چهار در بدترین و منطقه یک در مطلوب‌ترین شرایط در بین مناطق چهارگانه قرار دارند و کم‌ترین و بیش‌ترین میزان امنیت را بین این مناطق دارا هستند.

جدول ۸. نتایج آزمون توکی مقایسه مناطق در مولفه امنیت

مناطق	تعداد	گروه‌ها		
		۱	۲	۳
منطقه ۴	۱۱۴	۱,۸۱		
منطقه ۳	۹۰		۲,۳۱	

منطقه ۲	۹۰	۳,۰۱
منطقه ۱	۹۰	۳,۳۰

نتایج جدول ۹ در بررسی وضعیت مولفه آسایش و فراغت بین مناطق چهارگانه شهر نشان می‌دهد منطقه دو در مطلوب‌ترین وضعیت و منطقه چهار نیز در بدترین شرایط بین مناطق مورد بررسی قرار دارند. به صورت کلی، منطقه ۴ از کم‌ترین میزان آسایش و فراغت بین مناطق برخوردار است و به تنهایی در وضعیت نامناسب قرار گرفته است، در حالی که مناطق ۱ و ۳ در وضعیت نسبتاً مناسب و منطقه ۲ نیز به تنهایی در وضعیت مناسب در مقایسه با دیگر مناطق قرار گرفته است و دارای بیش‌ترین میزان آسایش و فراغت است.

جدول ۹. نتایج آزمون توکی مقایسه مناطق در مولفه آسایش و فراغت

مناطق	تعداد	گروه‌ها		
		۱	۲	۳
منطقه ۴	۱۱۴	۲,۰۴		
منطقه ۳	۹۰		۲,۴۶	
منطقه ۱	۹۰		۲,۷۶	
منطقه ۲	۹۰			۳,۲۳

با توجه به نتایج جدول ۱۰ و مقایسه میانگین‌ها در مولفه اجتماع‌پذیری، منطقه چهار دارای بدترین وضعیت در بین مناطق چهارگانه است. به صورت کلی، مناطق سه و چهار که در یک گروه و طبقه نیز قرار گرفته‌اند، وضعیت مناسبی در این مولفه ندارند و کم‌ترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند. در حالی که منطقه دو نیز دارای بهترین و مطلوب‌ترین وضعیت در بین مناطق چهارگانه از نظر این مولفه است. نتایج نقشه اولویت‌بندی مناطق در این مولفه نیز نشان می‌دهد، منطقه ۲ دارای بهترین شرایط بوده و همراه با منطقه ۲ از شرایط مناسبی برخوردارند، در حالی که مناطق ۳ و ۴ وضعیت نامناسبی دارند.

جدول ۱۰. نتایج آزمون توکی مقایسه مناطق چهارگانه در مولفه اجتماع‌پذیری

مناطق	تعداد	گروه‌ها	
		۱	۲
منطقه ۴	۱۱۴	۲,۰۸	
منطقه ۳	۹۰	۲,۲۰	
منطقه ۱	۹۰		۲,۸۰
منطقه ۲	۹۰		۳,۱۴

نتایج جدول ۱۱ در تایید تفاوت مناطق چهارگانه در مولفه تنوع و جذابیت، نشان می‌دهد منطقه سه در گروه یک، مناطق چهار و یک در گروه دو و منطقه دو نیز -که دارای بهترین شرایط در بین مناطق چهارگانه است- در گروه و طبقه سوم قرار گرفته است. به صورت کلی، منطقه دو در بهترین و مطلوب‌ترین شرایط و منطقه سه در ضعیف‌ترین وضعیت از نظر مولفه تنوع و جذابیت در بین مناطق چهارگانه شهر یاسوج قرار دارند.

جدول ۱۱. نتایج آزمون توکی مقایسه مناطق چهارگانه در مولفه تنوع و جذابیت

مناطق	تعداد	گروه‌ها		
		۱	۲	۳
منطقه ۳	۹۰	۲,۰۳		
منطقه ۴	۱۱۴		۲,۵۴	
منطقه ۱	۹۰		۲,۷۳	
منطقه ۲	۹۰			۳,۲۶

منظر شهری یکی دیگر از ابعاد مهم مورد بررسی سرزندگی شهری در پژوهش حاضر است؛ با توجه به نتایج جدول ۱۲ منطقه سه بدترین شرایط را بین مناطق چهارگانه در این مولفه دارد. همچنین مناطق یک، دو و چهار نیز در یک طبقه مشترک قرار گرفته و شرایط نسبتاً مناسبی دارند. در مجموع، منطقه یک و بعد از آن نیز منطقه دو شرایط مطلوب‌تری در این مولفه دارند.

به صورت کلی، یکی از مشکلات اساسی شهر یاسوج که در همه مناطق آن نیز قابل مشاهده و درک است، ضعف‌های موجود در بحث منظر شهری و زیبایی بصری است؛ مشکلات موجود در بدنه‌های اجرایی شهری، عدم توجه به نیازهای محیطی و کالبدی شهر، آگاهی ضعیف نسبت به طرح‌های گوناگون شهری، عدم مشارکت با ساکنان و استفاده از نظرات آنها در رفع نیازهای شهری و اقتصاد رانته و زد و بندهای مالی که تاثیر زیادی در مسيردهی به هزینه‌کرد پروژه‌های شهری دارد، از موضوعات اساسی تاثیرگذار در وضعیت موجود شهر و منظر آن، خصوصاً در چیدمان فضاهای عمومی آن است که منظر شهر را در مناطق مورد مطالعه تحت شعاع قرار داده است. موضوعی که در کنار تاثیر سوء بر تنوع و جذابیت محیطی، تاثیر زیادی نیز بر وضعیت امنیت، آسایش و راحتی ساکنان، اشتیاق آنها به استفاده از فضاهای عمومی و رونق تعاملات اجتماعی و همچنین ضعف دسترسی و فراگیری این فضاها داشته است.

جدول ۱۲. نتایج آزمون توکی مقایسه مناطق چهارگانه در مولفه منظر شهری

مناطق	تعداد	گروه‌ها	
		۱	۲
منطقه ۳	۹۰	۱,۸۷	
منطقه ۴	۱۱۴		۲,۶۰

منطقه ۲	۹۰	۲,۸۴
منطقه ۱	۹۰	۲,۹۰

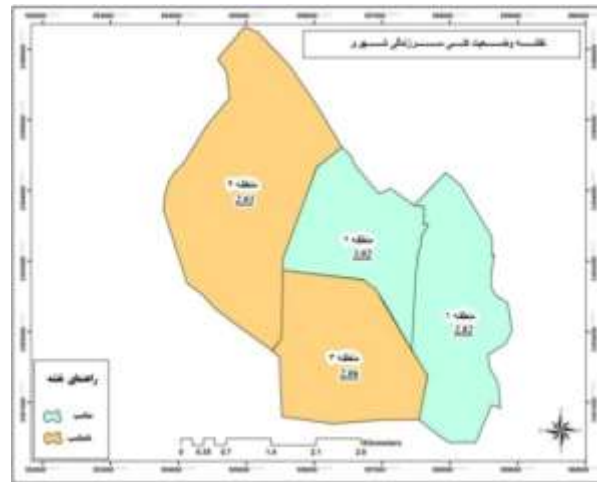
یکی از مؤلفه‌های سرزندگی که نقش مهمی در سلامت شهرها دارد، دسترسی مطلوب است. هرچقدر شهرها و مناطق و محله‌های شهری دسترسی‌پذیری بهتری داشته باشند، زمینه گسترش ارتباط ساکنان، دسترسی مطلوب‌تر به فضاها و استفاده مطلوب و بهینه از فضاهای مختلف شهری، استفاده از فضا برای نیازهای مختلف و در زمان مختلف و غیره فراهم می‌شود. در تأیید این مدعا می‌توان به صحبت مونت گُمری استناد کرد؛ با توجه به سخن او، فضاهای عمومی اگر از دسترسی‌پذیری مطلوب برخوردار باشند، به کاربران خود اجازه می‌دهند به راحتی به این فضاها وارد شده و فعالیت‌های روزمره خود را انجام دهند (مونتگومری، ۱۹۹۸). در این راستا، نتایج جدول ۱۳ نشان می‌دهد بین مناطق چهارگانه از نظر مولفه دسترسی و فراگیری تفاوت وجود دارد؛ به‌طوری که منطقه ۴ در یک گروه و طبقه مستقل قرار گرفته و دارای بدترین شرایط در این مولفه است. مناطق دو، یک و سه نیز در یک طبقه و گروه مشترک قرار گرفته‌اند. در مجموع، در بین مناطق چهارگانه، منطقه دو دارای شرایط مناسب‌تری در مولفه دسترسی و فراگیری بوده و سپس مناطق ۱ و ۳ نیز از شرایط مناسبی برخوردارند، در حالی که منطقه ۴ شرایط نامناسبی در این مولفه دارد.

جدول ۱۳. نتایج آزمون توکی مقایسه مناطق چهارگانه در مولفه دسترسی و فراگیری

مناطق	تعداد	گروه‌ها	
		۱	۲
منطقه ۴	۱۱۴	۲,۲۷	
منطقه ۳	۹۰		۲,۶۱
منطقه ۱	۹۰		۲,۸۵
منطقه ۲	۹۰		۳,۰۰

نتایج کلی اولویت‌بندی مناطق چهارگانه شهر یاسوج از نظر وضعیت سرزندگی شهری (شکل ۲) نشان داد منطقه ۲ در مقایسه با سایر مناطق وضعیت مطلوب‌تری دارد و همراه با منطقه ۱ از شرایط مناسبی برخوردار هستند. در حالی که منطقه ۴ بدترین شرایط را داشته و همراه با منطقه ۳ شرایط نامناسبی در برخورداری از مولفه‌های سرزندگی شهری دارند. با توجه به اینکه منطقه دو در مرکز شهر قرار دارد و با توجه به تکیه شهر بر اصول شهرهای تک هسته‌ای با تمرکز امکانات و خدمات، عموم امکانات شهری، خدمات، مراکز اداری، کاربری‌های جاذب جمعیت، مسکن مناسب و متنوع، تعاملات اجتماعی گسترده، پویایی و رونق، آمیختگی در فعالیت‌ها و ارتباطات اجتماعی، تراکم جمعیت و ساختمان، و غیره در این منطقه و محله‌های آن تمرکز یافته است. موارد مورد اشاره با توجه به اینکه نیازمندی‌های گوناگون شهروندان را در برمی‌گیرند و با توجه به ضعف دسترسی به امکانات و فضاهای مطلوب در سایر مناطق

شهری، در پراکنش جمعیت و همچنین تنوع استفاده‌کننده‌گان با توجه به نیازمندی‌های آن‌ها و در ساعات مختلف شبانه‌روز موثر بوده است. مسئله‌ای که در وضعیت سرزندگی در این منطقه و محله‌های آن و تفاوت آن با سایر مناطق شهر اثر گذاشته است.



شکل ۸. رتبه‌بندی وضعیت سرزندگی در مناطق چهارگانه شهر یاسوج

۳,۲,۱. تحلیل یافته‌های مقایسه‌ای

یافته‌های آماری پژوهش، فراتر از یک رتبه‌بندی ساده، الگوی فضایی مشخصی را در توزیع سرزندگی شهر یاسوج آشکار می‌سازد. نتایج تحلیل واریانس نشان داد تفاوت میانگین سرزندگی در مناطق چهارگانه، از نظر آماری کاملاً معنادار است. این تفاوت، ریشه در یک شکاف ساختاری عمیق میان مرکز و پیرامون دارد که در نتایج آزمون‌های تی‌تک‌نمونه‌ای و آزمون تعقیبی توکی به‌وضوح آشکار است. در کانون این الگو، منطقه ۲ قرار دارد که با بهره‌مندی از مزایای مکانی و کارکردی، نه تنها بالاترین میانگین کلی سرزندگی (۳,۰۸) را کسب کرده، بلکه در مؤلفه‌های کلیدی مولد پویایی، یعنی تنوع و جذابیت (۳,۲۶) و آسایش و فراغت (۳,۲۳)، در مطلوب‌ترین وضعیت بین مناطق مورد مطالعه قرار دارد. این نتایج مؤید آن است که تمرکز خدمات، کاربری‌های مختلط، و مراکز اداری-تجاری در هسته مرکزی شهر، مستقیماً به حضور پرشور شهروندان و رضایت نسبی آنان منجر شده است. در نقطه مقابل، مناطق پیرامونی قرار دارند که از محرومیت در سرزندگی رنج می‌برند. **منطقه ۴**، علی‌رغم آنکه بیش‌ترین جمعیت شهری را در خود جای داده است، بحرانی‌ترین وضعیت را تجربه می‌کند (میانگین کلی سرزندگی: ۲,۲۲). شکست سرزندگی در این منطقه، بیش از همه، خود را در مؤلفه امنیت (با میانگین پایین ۱,۸۱) و دسترسی و فراگیری (میانگین ۲,۲۷) به‌عنوان دو مؤلفه مهم و اثرگذار در سرزندگی فضاهای شهری نشان می‌دهد؛ این آمار، نشان‌دهنده کمبود شدید زیرساخت‌ها، فضاهای عمومی طراحی‌نشده و احساس ناامنی در منطقه‌ای است که به دلیل تراکم جمعیتی، باید دارای فعال‌ترین فضاها بود. منطقه ۳ نیز با وضعیتی مشابه (میانگین کلی: ۲,۲۴)، ناکارآمدی خود را در مؤلفه‌های منظر شهری (۱,۸۷) و تنوع و جذابیت (۲,۰۳)

به نمایش می‌گذارد. همان‌طور که در تحلیل یافته‌های توصیفی نیز اشاره شد، گستردگی زمین‌های خالی و کاربری‌های نهادیِ زمان‌محور (مانند دانشگاه دولتی یاسوج و مراکز نظامی، آموزشی)، و همچنین وجود فضاهای خالی زیادی که در حاشیه رودخانه بشار و فضاهای از فعالیت باز مانده ایجاد شده، عملاً فضاهای شهری این منطقه را از پویایی و حضور مستمر انسانی خالی کرده است. در این میان، منطقه ۱ (میانگین ۲,۸۹) نقشی بینابینی دارد؛ اگرچه به پویایی مرکز (منطقه ۲) نمی‌رسد، اما وضعیت آن، به‌ویژه در مؤلفه امنیت، به مراتب بهتر از مناطق پیرامونی ۳ و ۴ است. این منطقه به علت قرارگیری در همسایگی با منطقه ۲ و مرکز شهر شرایط دسترسی بهتری نسبت به دو منطقه مورد اشاره دارد. بنابراین، یافته‌های کمی این پژوهش، الگوی توسعه فضایی نامتوازن و تک‌هسته‌ای یاسوج را تأیید می‌کند. الگویی که در آن، سرزندگی به‌جای توزیع عادلانه، در مرکز انباشت شده و پیرامون از آن محروم مانده است. این تحلیل آماری، نشان‌دهنده شکست سیاست‌های توزیع متوازن منابع و تأثیر مستقیم ساختار مدیریتی بر کیفیت زندگی روزمره شهروندان در مناطق مختلف این شهر است و زمینه‌ای عمیق برای ریشه‌یابی علل در بخش بحث فراهم می‌آورد. در مجموع می‌توان گفت، اگرچه شهر یاسوج از نظر مؤلفه‌های زیربنایی سرزندگی شهری وضعیت مطلوبی ندارد، ولی همین وضعیت نه چندان مطلوب نیز در بین مناطق مختلف آن یکسان نیست. در این بین شاید اساسی‌ترین عامل تأثیرگذار در این وضعیت، میزان نزدیکی و دوری به مرکز شهر است چراکه در چنین شهری (شهرهای با ساختار مرکز-پیرامون) با ساختار مدیریت و برنامه‌ریزی ضعیف، تنها مناطق مرکزی شهر هستند، که تحت تأثیر دسترسی مکانی، تا حدودی از ضعف‌های امکاناتی، زیرساختی و توجه به زندگی اجتماعی مطلوب دور مانده‌اند.

۴. بحث

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد سرزندگی شهری در شهر یاسوج به‌صورت نامتوازن در میان مناطق چهارگانه توزیع شده است؛ به‌طوری‌که منطقه ۲ و تا حدودی منطقه ۱ از شاخص‌های مطلوب‌تر سرزندگی برخوردارند و مناطق ۳ و ۴ وضعیت ضعیف‌تری دارند. این الگو با بسیاری از مطالعات ملی و بین‌المللی که کاهش سرزندگی از هسته شهری به حومه را نشان می‌دهند همسو است. با این حال، تحلیل دقیق‌تر نشان می‌دهد این تفاوت‌ها فراتر از یک الگوی ساده مرکز-پیرامون است و محصول تعامل چند عاملی کالبدی، اجتماعی-فرهنگی و مدیریتی است. از منظر کالبدی، تمرکز خدمات و کاربری‌های جاذب (اداری، تجاری، تفریحی) و وجود زیرساخت‌های متناسب، مراکز اداری، تجاری و رفاهی در منطقه ۲ موجب افزایش نفوذپذیری، جذابیت فضایی و جریان انسانی در این منطقه شده است؛ عوامل کلیدی که در ادبیات سرزندگی شهری به‌عنوان محرک‌های حضور و تعامل اجتماعی شناخته شده‌اند و موجب شده، این منطقه به بستری پویا برای شکل‌گیری تعاملات اجتماعی و افزایش حضور مردم در فضاهای شهری تبدیل شود. در مقابل، گستردگی اراضی بایر، کاربری‌های اداری با ساعات کاری محدود، کمبود فضاهای جمعی و ضعف طراحی مسیرهای

پیاده در مناطق ۳ و ۴، بستری نامناسب برای شکل‌گیری رفتارهای جمعی فراهم آورده و به کاهش پویایی در این مناطق منجر شده است. بعد اجتماعی- فرهنگی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. چراکه مناطقی که از تنوع جمعیتی و کارکردی بیش‌تری برخوردارند، فرصت‌های بیش‌تری برای تماس‌های اجتماعی، تبادل فرهنگی و احساس امنیت نسبی فراهم می‌آورند؛ در حالی‌که ساختارهای همگن‌تر یا محلی‌شده و نیز حضور نابرابر گروه‌های اجتماعی (از جمله اثرات نفوذ طوایف در ساختار اجتماعی- مدیریتی شهر) می‌تواند به انزوای اجتماعی و کاهش حضور در فضاهای عمومی بینجامد. چرا که دلایل تجمع و تنوع جمعیتی در ساعت‌های مختلف شبانه‌روز در این فضاها فراهم نیست. در سطح مدیریتی و نهادی، سیاست‌های گذشته شهرسازی و تخصیص منابع که رویکردی مرکزگرا داشته‌اند، به توزیع نامتوازن امکانات و سرمایه‌گذاری شهری انجامیده است. به عبارتی، اولویت‌بندی پروژه‌ها و هزینه‌کردها در محدوده‌های مرکزی موجب تقویت مزیت مکان‌های موجود و در عین حال تضعیف ظرفیت‌های مناطق پیرامونی و الحاقی شده است. علاوه بر این، ضعف در مشارکت‌پذیری شهروندان در فرایندهای تصمیم‌سازی و اجرای پروژه‌ها سبب گردیده راه‌حل‌ها کم‌تر انعکاس‌دهنده نیازهای محلی باشد و بازتوزیع منابع با معیارهای عدالت فضایی صورت نپذیرد. در نهایت، همجواری با کاربری‌های فعال (مانند بازارها، مؤسسات آموزشی و مراکز خدماتی) در مناطق مرکزی جریان انسانی مداومی را برقرار می‌سازد که در ساعات مختلف روز و شب سبب ثبات و تنوع حضور می‌شود؛ در حالی که همجواری با فضاهای کم‌تحرک یا با عملکرد محدود (اراضی بایر، کاربری‌های دارای ساعات محدود) در برخی محله‌های پیرامونی باعث ایجاد نقاط کور فضایی شده و سرزندگی را در این مناطق تضعیف می‌کند.

یافته‌های پژوهش حاضر، ضرورت بازنگری در سیاست‌های توزیع منابع و خدمات شهری را نشان می‌دهد. مدیریت شهری باید رویکرد مشارکتی را جایگزین رویکرد بالا به پایین کند و از توان جوامع محلی در طراحی و اجرای پروژه‌های شهری بهره گیرد. از نظر عملی، بهبود سرزندگی در شهر یاسوج نیازمند اقدامات کوتاه‌مدت و بلندمدت است. در این راستا در کوتاه‌مدت، ارتقای کیفیت فضاهای عمومی، اصلاح کف‌سازی، افزایش روشنایی، زیباسازی محیط و فراهم‌سازی امنیت خصوصاً در فضاهای عمومی و همه‌شمول همچون پارک‌ها می‌تواند محرکی برای افزایش حضور مردم در فضاهای شهری این شهر باشد. در بلندمدت نیز برنامه‌ریزی فضایی با رویکرد عدالت فضایی، تقویت حمل‌ونقل عمومی و پیاده‌راه‌ها، و توسعه متوازن کاربری‌های شهری در تمام مناطق، می‌تواند در ایجاد سرزندگی در این شهر و مناطق مختلف آن کمک کند. با توجه به تمام یافته‌ها، پژوهش حاضر با مطالعات متعددی در سطح ملی و بین‌المللی همخوانی دارد. برای مثال، پژوهش حسینی و همکاران (۱۴۰۱) در شهر یزد نیز نشان داد تفاوت‌های قابل‌توجهی در میزان سرزندگی بین محله‌های مختلف وجود دارد. لانگ^۱ و همکاران (۲۰۲۵) نیز در پژوهشی در منطقه شهری تاریخی چانگشا دریافتند مناطق تجاری مرکزی به دلیل تمرکز عملکردی، سرزندگی بالایی دارند، در حالی که مناطق پیرامونی به

1- Long

دلیل کیفیت فضای فیزیکی پایین تر و تنوع عملکردی محدود، سرزندگی ضعیف تر دارند. این همسویی نشان می دهد نابرابری های فضایی در زمینه سرزندگی، یک پدیده ساختاری و قابل تعمیم در بسیاری از شهرهای ایران و جهان است. همچنین، پژوهش شاهرخی فر و همکاران (۱۴۰۱) نیز بر نقش منظر شهری در کاهش یا افزایش سرزندگی تاکید داشتند که با یافته های مربوط به منظر شهری در مناطق ۳ و ۴ یاسوج مطابقت دارد. اسدی و همکاران (۱۳۹۹) و فصیحی و همکاران (۱۳۹۹) نیز وضعیت نچندان مطلوب سرزندگی در برخی شهرهای میانی را به ضعف در طراحی فضاهای شهری، ناکارآمدی نظام مدیریت شهری و ضعف زیرساخت های اجتماعی مرتبط دانسته اند.

۵. نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی وضعیت سرزندگی شهری و مؤلفه های آن در مناطق چهارگانه شهر یاسوج است. یافته های پژوهش نشان می دهد سرزندگی شهری به صورت متوازن در سطح مناطق مختلف شهر یاسوج توزیع نشده است. این نابرابری نه تنها ناشی از شرایط کالبدی و جغرافیایی مناطق، بلکه نتیجه مجموعه ای از عوامل نهادی، مدیریتی، اجتماعی و طراحی فضایی است. در این میان، مناطقی که در مرکز شهر واقع شده اند (منطقه ۲ و تا حدودی منطقه ۱)، به ویژه با تمرکز خدمات، زیرساخت ها و کاربری های متنوع، توانسته اند محیط هایی پویا و پرتحرک برای حضور فعال شهروندان فراهم آورند. فضاهای عمومی در این مناطق اغلب با کیفیت طراحی بالاتر، امکان پیاده روی، دسترسی به فضاهای سبز، کافه ها، مراکز تجاری و خدماتی همراه اند که نقش مهمی در ایجاد تعاملات اجتماعی و تقویت حس حضور شهروندان ایفا می کنند. در مقابل، مناطق پیرامونی و حاشیه ای شهر یاسوج (منطقه ۴) از مشکلات متعددی مانند ضعف در دسترسی به خدمات شهری، نبود کاربری های متنوع، طراحی ضعیف فضاهای عمومی، و کم توجهی به زیرساخت های اجتماعی رنج می برند. این مسائل موجب شده است تا فضاهای عمومی در این مناطق کم تر مورد استفاده قرار گیرد و در نتیجه، پویایی اجتماعی و حضور شهروندان نیز به شدت کاهش یابد. چراکه این عوامل بر ادراک منفی از محیط شهری در نزد ساکنان تأثیرگذار بوده است. پژوهش حاضر نشان داد تفاوت سرزندگی میان مناطق چهارگانه یاسوج نه تنها بازتابی از توزیع نابرابر خدمات و امکانات است، بلکه نتیجه پیوند پیچیده ای از عوامل کالبدی، اجتماعی و مدیریتی است. به این ترتیب، هر راهبردی که تنها به بهبود یک بعد (مثلاً افزایش تعداد پارک ها یا احداث مراکز تجاری) محدود شود، در کوتاه مدت ممکن است آثار محدودی داشته باشد، اما برای ایجاد تغییر ساختاری در سرزندگی، لازم است سیاست ها چندوجهی و هم راستا باشند. در واقع، میزان سرزندگی یک منطقه شهری را نمی توان صرفاً با زیرساخت های فیزیکی سنجید، بلکه باید آن را به مثابه شاخصی از عدالت فضایی، مشارکت پذیری شهروندان و فرصت های برابر در تجربه فضاهای عمومی در نظر گرفت. در پرتو این نتایج، ضرورت اتخاذ سیاست های بازتوزیعی در مدیریت شهری یاسوج احساس می شود. در این راستا در ادامه مجموعه ای از پیشنهاد های کاربردی ارائه خواهد شد:

اتخاذ رویکرد عدالت محور در تخصیص سرمایه گذاری ها و پروژه های شهری به منظور کاهش تمرکز خدمات در هسته شهری.

تقویت طراحی کالبدی محلی (کف‌سازی، مبلمان شهری، روشنایی، توسعه پیاده‌راه و افزایش نفوذپذیری میان فضاها) با اولویت مناطق ۳ و ۴.

افزایش اختلاط کاربری‌ها در محله‌های کم‌تحرک از طریق مشوق‌های برنامه‌ریزی شهری برای ایجاد کسب‌وکارهای محلی، بازارهای محلی و فضاهای فرهنگی.

توجه ویژه به همجواری‌ها و مکان‌یابی کاربری‌های فعال (برای مثال بازارها، فضاهای فرهنگی و آموزشی) به‌منظور ایجاد جریان‌های انسانی منسجم در مناطق کم‌تحرک.

سامان‌دهی فعالیت‌های ضد سرزندگی و جایگزینی با فعالیت‌های جاذب جمعیت

با توجه به کمبود فضای سبز و پارک و عدم مکان‌یابی بهینه آن‌ها - به طوری که چندپارک در حاشیه منطقه ۱ ساخته شده در حالی که بقیه مناطق شهر فضای سبز مطلوبی ندارند؛ توجه به نیاز شهر و مناطق مختلف آن در این موضوع ضروری است.

توجه به ظرفیت‌های فرهنگی و هنری در تقویت سرزندگی مناطق از جمله رفع کمبود و فقدان سالن تئاتر و سینما در مناطق ۱، ۳ و ۴.

کتاب‌نامه

- اسکوئی ارس، ع.، و حکیمی، ه. (۱۴۰۰). سنجش شاخص‌های سرزندگی شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی (مطالعه موردی: سیلاب قوشخانه تبریز). نشریه پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، ۹(۱)، ۱۴۳-۱۶۳. <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2021.309948.1363>
- بیطرف، آ.، سعیده زرابادی، ز. س.، و ذبیحی، ح. (۱۴۰۰). سنجش معیارهای سرزندگی در مکان‌های تاریخی با تاکید بر رویکرد توسعه گردشگری میراثی مطالعه موردی: سراهای تاریخی منطقه ۱۲ تهران. فصلنامه گردشگری شهری، ۸(۴)، ۱۰۳-۱۱۵. <https://doi.org/10.22059/jut.2022.327685.931>
- پورااحمد، ا.، زنگنه‌شهرکی، س.، و صابری، علی. (۱۴۰۲). تحلیل عدالت فضایی در دسترسی به خدمات شهری (نمونه موردی: شهر یاسوج). جغرافیا و توسعه، ۲۱(۷۱)، ۳۲-۱. [doi.org/ 10.22111/gdij.2023.7588](https://doi.org/10.22111/gdij.2023.7588)
- جعفری‌ها، ر.، حیدری، غ.، و لک، ز. (۱۴۰۳). ارزیابی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسانه منظر شهری (نمونه موردی: سبزه میدان قزوین). جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۱۱(۴)، ۱۳۳-۱۵۱.
- حسینی، ع.، و صابری، ع. (۱۴۰۲). تحلیل نقش فضاهای عمومی در ارتقای سرزندگی محلات شهری (مورد مطالعه: محله بنسنگان شهر یاسوج). مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۱۰(۱)، ۱۷۵-۱۹۸. doi.org/10.22067/jgusd.2022.78060.1233
- حسینی، ع.، فنی، ز.، و مومنی، ع. (۱۴۰۱). تحلیل تطبیقی سرزندگی شهری در محلات قدیم و جدید با رویکرد حق به شهر (مطالعه موردی: محلات شهر یزد). پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، ۱۰(۲)، ۵۱-۲۹. <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2022.344362.1707>
- سرور، ه.، و اصغری، ر. (۱۴۰۰). تحلیل فضاهای عمومی شهرها از منظر رهیافت سرزندگی (نمونه: پارک ساحلی آلتای میاندوآب). برنامه‌ریزی فضایی، ۱۱(۴)، ۵۸-۳۹. [10.22108/sppl.2021.119601.1431](https://doi.org/10.22108/sppl.2021.119601.1431)

۸. سهرابی، ن.، و سجاذزاده، ح. (۱۴۰۲). سنجش و ارزیابی نقش پارکلت‌ها در جهت افزایش سرزندگی بلوارهای شهری (نمونه موردی: بلوار ارم همدان). *جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۲۷(۸۳)، ۸۵-۱۰۱. <https://doi.org/10.22034/gp.2023.14663>
۹. شاهرخی‌فر، ز.، طهماسبی مقدم، ح.، و شمعی، ع. (۱۴۰۱). تحلیل نقش زیباسازی شهری در ارتقاء سرزندگی فضاهاى شهری منطقه ۷ شهرداری تهران. *پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*، ۱۰(۳)، ۸۱-۱۰۳. [doi.org/ 10.22059/jurbangeo.2022.325129.1533](https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2022.325129.1533)
۱۰. حیدری، م.، زنگنه شهرکی، س.، و پوراحمد، ا. (۱۴۰۲). سطح‌بندی مناطق شهری از نظر شاخص‌های سرزندگی شهری (مطالعه موردی: شهر کرج). *پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*، ۱۱(۲)، ۱۷۱-۱۵۳. DOI:10.22059/jurbangeo.2023.348982.1737
۱۱. محمدی ده چشمه، پ. (۱۳۹۸). تحلیلی بر نقش پیاده‌راه‌ها در سرزندگی شهری (مطالعه موردی: خیابان فردوسی شهر اصفهان). *جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۶(۱)، ۳۸-۱۹. <https://doi.org/10.22067/gusd.v6i1.73389>
۱۲. مولوی، م.، حمیدی، آ.، فریدی فشتمی، ع.، و آریاپسند، ز. (۱۴۰۰). بررسی نقش پیاده‌راه‌های شهری در ارتقای شاخص‌های سرزندگی شهری و تعاملات اجتماعی (مطالعه موردی: پیاده‌راه مرکز رشت). *پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*، ۹(۳)، ۹۰۸-۸۸۱. [10.22059/jurbangeo.2021.319408.1465](https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2021.319408.1465)
13. Chapman, J. (2009) Design for emotional durability, *Design*, 25(4),29-35. <https://www.jstor.org/stable/20627827>
14. Chen, Y., Yu, B., Shu, B., Yang, L., & Wang, R. (2023). Exploring the spatiotemporal patterns and correlates of urban vitality: Temporal and spatial heterogeneity. *Sustainable Cities and Society*, 91, 104440. doi.org/10.1016/j.scs.2023.104440
15. Collins, D., & Stadler, S. L. (2020). Public Spaces, Urban. *International Encyclopedia of Human Geography*, 103-111. [shop.elsevier.com/books](https://www.sciencedirect.com/book/9780444639926/9780444639926.ch103).
16. Gómez-Varo, I., Delclòs-Alió, X., & Miralles-Guasch, C. (2022). Jane Jacobs reloaded: A contemporary operationalization of urban vitality in a district in Barcelona. *Cities*, 123, 103565. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.103565>
17. Grodach, C., & Ehrenfeucht, R. (2015). *Urban Revitalization: Remaking cities in a changing world*. Routledge. <https://www.routledge.com>
18. Jacobs, J. (1961). Jane Jacobs. *The Death and Life of Great American Cities*, 21(1), 13-25. <http://www.petkovstudio.com/bg/wp-content/uploads/2017/03>
19. Jalaladdini, S., & Oktay, D. (2012). Urban public spaces and vitality: a socio-spatial analysis in the streets of Cypriot towns. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 35, 664-674. doi.org/10.1016/j.sbspro.2012.02.135
20. Landry, C. (2000) Urban Vitality: A New Source of Urban Competitiveness, *Prince Claus Fund Journal, ARCHIS issue 'Urban Vitality / Urban Heroes*. <https://doi.org/10.4236/me.2021.1212098>
21. Li, X., Li, Y., Jia, T., Zhou, L., & Hijazi, I. H. (2022). The six dimensions of built environment on urban vitality: Fusion evidence from multi-source data. *Cities*, 121, 103482. <https://doi.org/10.3390/su15086869>
22. Long, Y., Jiao, S., Yu, Y., & Xiao, K. (2025). An analysis of spatial vitality distribution and formation mechanisms in historical urban areas based on multi-source big data: A case study of Changsha. *Frontiers of Architectural Research*.
23. Lynch, K. (2011). *The Good City Theory*, Translated by Hossein Bahraimi. www.scirp.org/reference/referencespapers?
24. Montgomery, J. (1998). Making a city: Urbanity, vitality and urban design. *Urban Design*, 3(1), 93-116. <https://doi.org/10.1080/13574809808724418>
25. Mouratidis, K., & Poortinga, W. (2020). Built environment, urban vitality and social cohesion: Do vibrant neighborhoods foster strong communities?. *Landscape and Urban Planning*, 204, 103951. doi.org/10.1016/j.landurbplan.2020.103951

26. Mushkani, R. A., & Ono, H. (2021). The role of land use and vitality in fostering gender equality in urban public parks: The case of Kabul city, Afghanistan. *Habitat International*, 118, 102462. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2021.102462>
27. Paköz, M. Z., & Işık, M. (2022). Rethinking urban density, vitality and healthy environment in the post-pandemic city: The case of Istanbul. *Cities*, 124, 103598. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.103598>.
28. Steil, J. P., & Delgado, L. H. (2019). Limits of diversity: Jane Jacobs, the Just City, and anti-subordination. *Cities*, 91, 39-48. [10.1016/j.cities.2018.06.017](https://doi.org/10.1016/j.cities.2018.06.017)
29. Wu, C., Ye, Y., Gao, F., & Ye, X. (2023). Using street view images to examine the association between human perceptions of locale and urban vitality in Shenzhen, China. *Sustainable Cities and Society*, 88, 104291. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2022.104291>
30. Xia, C., Yeh, A.-O., & Zhang, A. (2020). Analyzing spatial relationships between urban land use intensity and urban vitality at street block level: A case study of five Chinese megacities. *Landscape and Urban Planning*, 193(103669). <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2019.103669>
31. Ye, Y., Li, D., & Liu, X. (2018). How block density and typology affect urban vitality: An exploratory analysis in Shenzhen, China. *Urban Geography*, 39(4), 631-652. doi.org/10.1080/02723638.2017.1381536
32. Yue, W., Chen, Y., Thy, P. T. M., Fan, P., Liu, Y., & Zhang, W. (2021). Identifying urban vitality in metropolitan areas of developing countries from a comparative perspective: Ho Chi Minh City versus Shanghai. *Sustainable Cities and Society*, 65, 102609. DOI:[10.1016/j.scs.2020.102609](https://doi.org/10.1016/j.scs.2020.102609).